

مردم سالاری دینی و حاکمیت ارزش ها محور حکمرانی

شهید رئیسی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْه

گفت‌وگو باحجت‌الاسلام والمسلمین سیدسجاد ایزدهی

گفت‌وگو باحجت‌الاسلام والمسلمین سیدسجاد ایزدهی

انقلاب اسلامی از پیروزی و استقرار در سال ۱۳۵۷ تا امروز، دولت‌های مختلفی با رؤسا و رویکردهای گوناگون را تجربه کرده است. در این میان، به اذعان مردم و صاحب‌نظران، دولت سیزدهم به ریاست شهید آیت‌الله رئیسی، اگرچه کوتاه‌ترین دولت از نظر زمانی بود؛ اما در ابعاد مختلف بیش از دیگران منشأ اثر شد و توانست، جلوه‌ای از دولت تراز انقلاب اسلامی را به نمایش بگذارد؛ دولتی که در رأس آن، یک طلبه انقلابی و برخاسته از حوزه علمیه، با رویکردی متفاوت از روال مرسوم، حضور داشت، در مدت زمانی کوتاه و با وجود همه چالش‌ها، بیشترین خدمات خرد و کلان را ارائه کرد و به‌عنوان «خادم جمهور» در ذهن و دل مردم ماندگار شد.

با توجه به اهمیت همه‌جانبه تداوم چنین الگوی حکمرانی در نظام اسلامی، خبرگزاری تسنیم، هم‌زمان با نخستین سالروز شهادت آیت‌الله رئیسی و دولت‌مردان همراهش، در گفت‌وگویی باحجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدسجاد ایزدهی، رئیس پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه، ضمن بررسی و تبیین شاخص‌های متمایز دولت سیزدهم و رمز و راز محبوبیت آن، به تبیین چگونگی تحقق این مهم پرداخته است که شرح آن در پی می‌آید.

● **مهم‌ترین ویژگی شهید آیت‌الله رئیسی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْه که سبب شد در دل مردم جای گیرد و ماندگار شود، چه بود؟**

● اگر در چند کلمه بخواهم پاسخ دهم، طلبه خط امام بودن؛ البته نه به‌معنای اصطلاح سیاسی آن بلکه منظور طلبه و فرزند انقلاب بودن؛ سنخ و ذات شهید رئیسی رَحْمَةُ اللهِ ب دیگران متفاوت بود؛ از این‌رو رفتارش هم از آن‌ها متمایز شده بود. هیچ‌گاه اینکه چه منصبی دارد، چقدر درس خوانده، چقدر کار کرده و... برایش مطرح نبود، همیشه می‌گفت من طلبه‌ام و همواره خود را سرباز نظام و انقلاب می‌دانست؛ به‌همین خاطر همه چیز اعم از آبرو، جایگاه و زندگی و... را وقف خدمت کرد و در بند پروتکل‌ها نبود. معتقد به نظام ولایت و خدمت به انقلاب بود؛ اگر رهبر شهید انقلاب رَحْمَةُ اللهِ فرمایشی داشتند، با منطق یک طلبه خدوم انقلابی فرمانبردار بود؛ دنبال یاد و نام نبود، واقعا دغدغه‌مند مردم و مستضعفین بود و دودوتا چهارتای مادی و پست و مقام برایش ارزشی نداشت. به وزرا سفارش کرده بود که فکر نکنید، ۸ سال زمان داریم؛ همه تلاش و ایده‌های‌تان را در همین ۴ سال عملی کنید؛ با این حال به‌جای اینکه وزیر و معاون و .. را به میدان بفرستد، خودش مستقیماً حضور پیدا می‌کرد و این‌طور نبود که صرفاً برود ببیند و اشک بریزد؛ بلکه به‌عنوان رئیس‌جمهور به دنبال حل مشکلات و انجام کار بود؛ (چنانکه امیرمؤمنان علی رَضِیَ اللهُ تَعَالِیَ عَنْهُ نیز در منطق حکمرانی خود وقتی کارداری را مشخص و به او تفویض مسئولیت می‌کردند، جدا از دقت در انتخاب افراد صالح، هم‌زمان نهادهای ناظر نیز تعریف می‌کردند تا گزارش کار را نه فقط از زبان کاردار بلکه از زبان آن‌ها هم بشنوند و اطمینان پیدا کنند). اصولاً سنخ مدیریت، سنخ تفویض صرف نیست؛ بلکه لازم است از هرآنچه جلوی فساد را می‌گیرد نیز، پیشگیری شود تا کارآمدی افزایش یابد و نتیجه تضمین شود. در انتخابات سال ۹۶ که آیت‌الله رئیسی رأی نیابرد، اغلب او را سرزنش می‌کردند که چرا آنچه را درباره سایر کاندیدای‌ها می‌داند، به مردم نگفت؟ غافل از اینکه گفتن دانسته‌ها هنر نیست؛ اخلاق می‌گوید: فراتر از پیروزی در انتخابات، مسئله بزرگتری به‌نام نظام و انقلاب وجود دارد که باید به آن توجه داشت. (امیرمؤمنان علی رَضِیَ اللهُ تَعَالِیَ عَنْهُ هم می‌توانست از طرق متفاوت با خلفا مقابله کند و حکومت را به دست گیرد؛ اما مراعات مسئله بزرگتری به‌نام حفظ اسلام را کرد).

● **ه در متن به مقایسه‌ای جالب بین دوران امام علی رَضِیَ اللهُ تَعَالِیَ عَنْهُ و شرایط فعلی اشاره کردید؛ به نظر شما چرا در طول تاریخ، هرگاه حاکمی با منطق «عدالت‌محور» و «مستضعف‌محوری» روی کار می‌آید، گروهی یا جریان‌های معاند، آن را تهدیدی برای خود می‌بینند و به سمت تخریب شخصیت و تهمت می‌روند؟**

● در این تخریب‌ها آنچه فراتر از شخص آیت‌الله رئیسی رَحْمَةُ اللهِ اهمیت دارد، منطق اوست؛ او نماینده منطقی بود که خیلی‌ها اقامه‌اش را برنمی‌تابند؛ از یکی از آقایان شبه‌اندیشمند شنیدم که می‌گفت: خوب شد آقای رئیسی رفت؛ از وقتی آمد از صداوسیما تا همه‌جا از انقلاب و ارزش‌ها پر شده بود؛ ببینید واضح می‌گویند که با این‌ها مشکل دارند. در نگاه کلان، امامین انقلاب برای کارگزار مطلوب انقلاب (حکمرانی)، منطق ویژه‌ای قائل هستند که موجودیت بسیاری را تهدید می‌کرد؛ در صدر اسلام از حاکمیت امیرمؤمنان رَضِیَ اللهُ تَعَالِیَ عَنْهُ بعد از پیامبر رَضِیَ اللهُ تَعَالِیَ عَنْهُ، ممانعت کردند؛ چون می‌دانستند با وجود او، طبعاً بسیاری از مشکلات جامعه برطرف می‌شود و با اقبال مردم به ایشان، دیگر جایی برای آن‌ها و مطامع‌شان باقی نخواهد ماند؛ از این‌رو تا نتوانستند تلاش کردند، آن‌حضرت روی



منطق حکمرانی آیت‌الله رئیسی رَحْمَةُ اللهِ تَعَالِیَ عَنْهُ همان منطق حکمرانی اسلام یعنی مردم‌سالاری دینی، حاکمیت ارزش‌ها و مردم، قانون مبتنی بر مبانی اصیل، عدالت به‌جای مساوات، پاسخگویی به مردم به‌عنوان صاحبان انقلاب بود؛ درحالی‌که منطق رایج دنیا از مساوات، قانون و... صحبت می‌کند. با وجود همه کارشکنی‌ها و تهمت‌ها، شهید رئیسی نه‌تنها هرگز شکایت نکرد و صرفاً پاسخ می‌داد، بلکه همواره رو به جلو و رشد نیز بود؛ به‌گونه‌ای که چه در آستان قدس، چه در قوه قضائیه و مجریه، تغییر نگاه‌ها و ساختارها، مستضعف‌محوری و حاکمیت نگاه علمی و ارزشی را محوریت بخشید؛ یعنی همان تحول در راستای اهداف و به سوی پیشرفت؛ چنانکه رهبر شهید انقلاب رَضِیَ اللهُ تَعَالِیَ عَنْهُ هم فرمودند: اگر دولت شهید رئیسی چند سال دیگر ادامه می‌یافت، کشور از بسیاری بن‌بست‌ها عبور می‌کرد.

تلاش کند، تا وقتی بانک‌های خصوصی خلق پول می‌کنند، تورم افزایش خواهد داشت. آیت‌الله رئیسی با توجه به اینکه قاضی هم بود، بحث منشأ فساد و جلوگیری از آن را خوب درک می‌کرد و تا جایی که توانست، با تمام فشارهای موجود، جلوی آن را گرفت. از طرفی در خانه یا دفتر کار نمی‌نشست که به وزرا بگوید: بروید کار کنید؛ بلکه به‌تعبیر سردار سلیمانی، جلودار بود؛ خودش می‌رفت وسط میدان و می‌گفت: ببایید؛ این نوع پیگیری، پشتکار و به سرانجام‌رساندن بود که کارآمدی دولت ایشان را افزایش داد.

کارگزاران دیگر عامل مؤثر در تفاوت تراز دولت ایشان با سایرین دولت‌ها بودند؛ زیرا تا کارگزار مناسب، باورمند و همسو نباشد، ساختار و قانون خوب به سرانجامی نمی‌رسد و البته همه این چهار عامل ساختار، قانون، پشتکار و کارگزار، باید در کنار هم وجود داشته باشند؛ وگرنه در برخی دولت‌های پیشین، شاهد وجود یک یا دو عامل از این مجموعه بودیم؛ اما چنانکه باید، اثری در کارآمدی‌شان نداشت. از این‌ها گذشته، صداقت هم بسیار مهم است؛ شهید رئیسی رَحْمَةُ اللهِ تَعَالِیَ عَنْهُ در سایه ایمان به خدا و اخلاصش، شخصیتی مردمی،

صادق و دلسوز داشت، هم‌رنگ مردم بود و برای خود کیسه ندوخته بود؛ اگر مردم محروم، خستگی و محرومیت و ... داشتند، او هم داشت؛ همین سبب می‌شد که مردم با وجود همه مشکلات، رضایت خاطر داشته و او را از خود بدانند. مانند زمان پیامبر رَضِیَ اللهُ تَعَالِیَ عَنْهُ که مشکلات کم نبود؛ مسلمانان حتی لباس و غذا نداشتند؛ اما بیشترین حجم حمایت از پیامبر رَضِیَ اللهُ تَعَالِیَ عَنْهُ را داشتند؛ چراکه می‌دیدند مثل خودشان زندگی می‌کند و برای خود امتیازی قائل نیست؛ این است که می‌بینیم چالش‌های امت اسلام از زمان خلیفه سوم شروع شد. با اینکه آن زمان امکانات بیشتر بود؛ اما به‌علت بی‌عدالتی و ناترازی در برخورداری‌ها میان مردم و حاکمان، اختلاف ایجاد شد. شهید رئیسی در سخت‌ترین شرایط بعد از دولت قبل، کار را به دست گرفت و اصلاح کرد و پیش برد، بدون اینکه مردم مشکلات خاصی همچون ناترازی را احساس کنند؛ حتی نهادهای و بانک‌های بین‌المللی هم چشم‌انداز مثبتی برای دولتش می‌دیدند.

● **به‌تعبیر یکی از بزرگان، شهید رئیسی رَحْمَةُ اللهِ تَعَالِیَ عَنْهُ طلبه بود و طلبه ماند؛ اما با اینکه از مهمترین دغدغه‌های ایشان بازگرداندن اعتماد خدشه‌دار**



شده مردم به انقلاب و نظام بود، به نظر می‌رسد این عملکرد خوب، دیده نشد؛ حتی رسانه‌های دولتی هم آن‌گونه‌که باید در معرفی این خط‌مشی موفق نبودند. به نظر شما حوزه علمیه چگونه می‌تواند این خلأ را پر کرده و شهید رئیسی را که در واقع فرزند حوزه‌است، به‌درستی بشناساند؟

● متأسفانه حقیقت این است که انقلاب اسلامی در مقابل مخالفان عملاً رسانه‌ای ندارد؛ درحالی‌که جبهه مقابل، با رسانه‌های متعدد برای تضعیف و سیاه‌نمایی پای کار است؛ بنابراین از وظایف مهم نظام اسلامی، تقویت رسانه‌اش است؛ یعنی بازنمایی درست سرمایه‌ها و داشته‌هایش به‌دور از مبالغه یا سیاه‌نمایی (معاندان در صدر اسلام هم با رسانه‌های‌شان سعی کردند، کارکردهای حکومت نبوی و علوی را ببوشانند یا نابود کنند که البته در درازمدت حاصلی نداشت و منکوب ماند). شهید رئیسی به‌اعتبار مسائل اخلاقی، دأبش این بود که ما کار می‌کنیم، آنکه باید ببیند، می‌بیند؛ منطق سردار سلیمانی نیز همین بود و درست است؛ اما در شرایطی که دوست و دشمن درصدد غیرواقع‌نمایی عملکرد نظام هستند، نباید از افناع مردم نسبت به کارکردها و دستاوردها غفلت کرد؛ وقتی مردم اینها را ندانند، به‌راحتی گرفتار شبهات و شایعات می‌شوند.

بهترین رسانه‌ها، رسانه‌های مردمی هستند که باید مورد توجه و اولویت قرار گیرند؛ در فضای مجازی باید در سکوهایی حضور داشت که مردم حضور دارند، در فضای حقیقی هم باید میان مردم بود؛ در تاکسی، اتوبوس، نانوائی و ...؛ این‌ها رسانه‌های مردمی هستند؛ از طرفی از ویژگی‌های طلبه‌ها همین با مردم بودن است؛ بنابراین مهمترین رسانه، دست طلبه‌ها قرار دارد و با استفاده از این بستر، باید تبیین کنند که حوزه علمیه تراز برای حکومت‌داری، چگونه حوزه‌ای است؟ کارگزار تراز کیست؟ و ...؛ حتی آن‌ها هم که این ملاک‌ها را قبول نداشته باشند، وقتی عملکرد دولت تراز را ببینند، متوجه تفاوتش با سایرین می‌شوند.

تربییون رسانه طرف مقابل، همیشه بسیار قوی بوده؛ اما به‌تعبیر رهبر معظم انقلاب، ما مقتدر مظلوم هستیم؛ اقتدار در به‌معنای فریب و اغوا؛ بلکه یعنی از همین جایگاه مظلومیت، اقتدار داریم؛ از ویژگی‌های خاص شهید رئیسی نیز همین بود که سنخ کارش اقتدار در عین مظلومیت بود، نه اینکه نتواند کاری کند، بلکه مظلومیت، جزو کارش بود؛ چون با مردم بود و مورد مخالفت قشر سلطه طلب. در عین حال باز هم تأکید می‌کنم، مهم باور مردم نسبت به انتخاب درست است که هرچه جدی‌تر و عمیق‌تر شود ظهور، نزدیک‌تر خواهد شد.

● **عملکرد آیت‌الله رئیسی مانند سردار سلیمانی، سبب شد یک مکتب ایجاد شود؛ به نظر شما برای تداوم این مکتب چه باید کرد تا تمام حوزویان و هم سیاست‌مداران در این مکتب حرکت کنند؟**

● اگر پیام رهبر شهید انقلاب رَضِیَ اللهُ تَعَالِیَ عَنْهُ را در سالروز صدسالگی حوزه علمیه در نظر بگیریم که فرمودند: کارکردهای آموزش و پژوهش، دشمن‌شناسی، تهذیب، نظام‌سازی، تمدن‌سازی و... همه را با هم جزو وظایف حوزه می‌دانیم، مجموعه این‌ها مدلی می‌سازد که در هر زمینه‌ای کارساز است؛ یعنی حوزه‌ای که خودش و خروجی‌اش، تراز باشد. فقط سراغ یک یا دو کارکرد مثل آموزش و پژوهش یا اخلاق نمی‌رود؛ بلکه برای انقلاب و نظام وسط میدان می‌آید و در طلیعه ظهور در مقیاس تمدنی، نظام می‌سازد؛ اگر بنا باشیم، حوزه، منطق و مکتب شهید رئیسی را دنبال کند، باید چنین ویژگی‌هایی داشته باشد؛ البته منطق و مکتب، یک بخش ایجابی دارد؛ مانند اخلاق، پشتکار، ولایت‌مداری، مردم‌باوری، ارزش‌محوری، پیشروبودن، هزینه‌پذیربودن و... و یک بخش سلبی که سبب تمایز نسبت به غیر می‌شود؛ مانند پشت میز ننشستن، پرهیز از ویژه‌خواری و قدرت‌طلبی و ...؛ همه این‌ها باید در کنار هم ناظر به اهداف و کارکردها پیش برود و تناسب بین‌شان رعایت شود؛ نه اینکه یکی کم باشد یا نباشد و یکی بیش از حد باشد. کارگزار تراز مطلوب نظام، کسی است که بتواند تعاملش با دوست و دشمن را چه به‌لحاظ شخصیتی، چه جایگاهی، چه قانونی و ...، درست و متوازن رقم بزند؛ چنانکه حتی زیبایی ظاهری را هم توازن بین نسبت‌هاست که شکل می‌دهد. شهید رئیسی رَحْمَةُ اللهِ تَعَالِیَ عَنْهُ عقلانیت حکومت‌داری برای جلورفتن و مواجهه با دوست و دشمن را داشت؛ رهبر شهید رَضِیَ اللهُ تَعَالِیَ عَنْهُ به این فرایند اعتماد داشتند و چه‌بسا هرچه جلوتر می‌رفت، شفاف‌تر هم می‌شد؛ بنابراین دولت ایشان نسبت به دولت‌های گذشته، قابل مقایسه نیست.